

ترجمه و نگارش بقلم عبدالجبار خان عضو ریاست
تعلیم و تربیه

مطالعه ترجمان القرآن

خوشبختانه باین اواخر یک جلد از کتاب (ترجمان القرآن جلد اول) بدستم افتاد. از نقطه نظر تنقید یا تقریظ مطالعه اجمالی آن برداشته دیدم که کتاب مذکور بزبان اردو بوده بدون ۷۶ صفحه مقدمه دارای (۲۵۵) صفحه ضخیم است و با رقابته مضبوط مربوط میباشد هفت و نیم سیاره اول قرآن کریم را انکار بنده فاضل ابوالکلام احمد از مقام جیل میرتهه (واقع هندوستان) ترجمه و تفسیر نموده از دفتر (ترجمان قرآن) متعینه دهلی ریاست تعلیم و تربیه رسیده است. در محتویات این کتاب مستطاب بابر اهین قاطعه ساری و احادیث نبوی (ص) و تطبیقاتش بشؤون حیات و حالات موجوده از بن بوده باعث جلب توجه شائقین میگرداند. جامع علوم انسانی

نظر با همیت این کتاب عالی سبب ترئید کتب تفاسیر و تراجم قرآنی در عالم اسلامی میگردد جهت معلومات قارئین با تمکین آئینه حضائص کتاب و مجرد مذکور را بطور نمونه و اجمال کمی ترجمه کردم تا زحمات عالمانه و حسیات دیدار آنه محررش بمیزان قد و شناسی تقدیر گردد. این کتاب از صفحه اول الی صفحه ۷۶ دارای فهرست مندرجات غلط و صحت نامه ها است. در تعلیم و اشاعت قرآن حکیم و تمهید بعنوان (الحمد لله) است و مکرراً از صفحه مابعد یک الی ۱۷۴ خصوصیات و اهمیت سوره فاتحه و از ۱۷۶ الی ۴۵۵ ترجمه و تفسیر و توضیح هفت و نیم سیاره اول



عکس فرخنده ع'ج' ۱۱۱۰ نشان سردار شاه محمود خان
وزیر صاحب حربیه

قرآن شریف میباید شد

نگارنده این کتاب بتحریرش از سنه ۱۹۱۵ ع شروع نموده ولی بسبب وقوع حوادث مزاج و محبوسینها تا اواخر سنه ۱۹۲۷ معطل گردیده 'مگر رأ' زین سنه اشتغال نموده بتاریخ ۲۰ جولائی سنه ۱۹۳۰ تمام کرده مشارالیه راجع باصول ترجمه و تفسیر 'تمام تحریر مفسرین و مترجمین ملف را تحت نظر گرفته برطبق اساسات شان تفصیل و تشریح درستی داده بر اوضاع علمیه حالیه تطبیق 'و مقصد و نوعیتش را چنین شرح میدهد: - ضروریات درس و مطالعه قرآن کریم سه شعبه منقسم و سه کتاب مندرج میباشد: - مقدمه تفسیر - تفسیر البیان - ترجمان القرآن .

مقدمه تفسیر: - عبارت از مجموعه مباحث اصولیست که نسبت بمقاصد و مطالب قرآن شریف کرده شده و سعی شده که کلیات و جزایا مع قرآنی مدون گردند .

تفسیر البیان: - برای مطالعه و نظر میباشد .

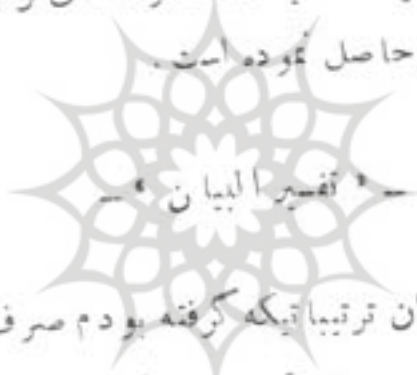
ترجمان القرآن: - برای تعلیم و اشاعت قرآن شریف میباشد .

کتاب اخیر از همه اولتر شائع گردیده زیرا در مقصد و نوعیت خود نسبت بهمه پیشتر احم و ضرور است و چو حقیقت برای تفسیر و مقدمه همین کتاب يك اساس اصلی میباشد .

از ترتیب اینها مقصود چنین است که جهت تدبیر و تفهم مطالب قرآنی کنشایی تحریر شود که مانند کتب تفسیر دارای تنصیلات نباشد بلکه آن چنان تحریراتی را مالک باشد که از ان تمام شناسائو قرآن بصورت حقیقی و صحیح استنباط شده بتواند . نظر باین نظر به 'اسلوبی اتخاذ گردید که بنظر اهل بصیرت موزون آرا همه گردید . اولاً سعی کرده شد که ترجمه قرآن شریف بزبان اردو صورتی را ایجاب نماید که در وضاحت خود محتاج بدیگری نگردد بلکه تشریحاتش بوجه اکمل باشد 'ثانیاً ترتیب نوشته ها بسوی مقاصد سوره کرده شده که قدم بقدم در معلومات دادن مطالب تفسیر خدمت مینمایند یعنی اجزای را مشرح و مقاصد و علل را موضح و دلائل و شواهد را مبرهن

و احکام و نواهی را منظم و منضبط نموده بسرماثیه معانی و معارف افزایند، گویا این کتاب بفحوای « نور هم‌بسی بین‌ابدیهم و باینهاهم » (۵۷: ۱۲) رفیق روشن انداز نسبت برای قاری متفکر و متدبر.

مثلیکه در ترجمه و تفسیر، مشکلات معنوی موجود است همچنان در صورتات هم مشکلات وجود داشته حل آنها نیز حتمی و ضروری شمرده میشد. راجع باین نکته در تراجم فارسی، اردو، اسان اروپائی نبصره کرده شد تا بآن حدس زده شود که چقدر مشکلات بوده و کدام اسباب و علل بود که تا امروز در تراجم قرآن کریم يك دلشینی و وضاحت پیدا شده نتوانسته اینست که نوت‌های ترجمان القرآن - و به بلندی رانست بشریح و وضاحت حاصل نموده است.



راجع باین قسمت فعلاً از آن ترتیباً اینکه گرفته بودم صرف نظر کردم، چرا که خیال دارم که تفسیر را بچنان صورتی تحریر و ترتیب نمایم که بترجمه هر سوره (ترجمان القرآن) يك دیباچه افزوده شود. وضاحت ترجمه موجوده و تشریحات نوت‌ها بهر کدام روشنی اداخته صرف بتزئید بحث و نظر احتیاج محسوس می‌گردد و آنهم بتحریر دیباچه‌های هر سوره مرتفع میشود. نظریه تحریر این نوع گفته میتوانم که مطالب تفسیر بحیث مجموعی بچنان ترتیب، مرتب و منظم می‌گردند که در انتشار مقاصد مسلسل تفسیر احتیاج رخ نمیدهد.

تعداد وقایه‌های ترجمان القرآن را بیشتر از دو جلد قرار ندادم - اگر دیباچه‌های (تفسیر البیان) را بران بیفزایم بیش از چهار جلد نمیشوند - در ضمن این چهار جلد تمام آن چیزهای که بترتیب قدیم در ۱۰ یا ۱۱ جلد می‌آمدند، داخل و شامل اند از تفسیر هر قدر تحریر آنیکه بعد از محبوسیتم محفوظ مانده اند با تراجرا احباب می‌خواهم

بیک جلد نشر نمایم - حینیکه از ترجمان القرآن فارغ شدم بنرتیب دیباچه ها گرائیده در عین زمان ترتیب (مقدمه تفسیر) را هم مینمایم - چونکه سوره فاتحه بذات خود مقدمه قرآنیست بنابراین در آغاز جلد اول خلاصه تفسیر سوره فاتحه را شامل نمودم - در نفس مطالب این سوره، آن مباحث صفات الهی که در فلسفه و کلام مذاهب قدیم تعلق دارد بتحت فرمایشات قرآنی نیز تذکار یافته است .

در آخر میخواهم که نسبت بن ترجمه و تفسیر عرضی نمایم - در ظرف بیست و هفت سال تمام اوقات من بمطالعه تفاسیر و کتب مطبوعه و غیر مطبوعه صرف گردیده لفظ بلفظ، آیت بآیت، مقام بمقام سوره بسوره خیلی دقت کرده هیچ جای باقی نمانده خواهد بود که از نظر نجس و دیده تفحص من عمیقانه نگذشته باشد - در نتیجه اینقدر تفحصات و کنجکاوای خود، قرآن شریف را پیر اندازم که دانستم و توانستم بداخل سه کتاب (ترجمان القرآن، البیان، مقدمه تفسیر) نشر نمودم .

سبک زجای نگیری، که بس گران گهر است بمنا ع من که نصیبش مباد ارزانی یقین من است که سر چشمه حیات، برائی علم، ذات و ریاست مسلمانان، انبساط حقیقت قرآنی است - بهمین لحاظ بعد از تحمیل مشقت و زحمت (ترجمان القرآن) راتحریر و تطبع نمودم تا دروازه فهم و بصیرت بروی قارئین با تمکین مفتوح شود و خیال میکنم تا جائیکه وظیفه علمیه و دینی من تقاضا و تمکن داشت آنرا بواسطه نشر بهمین ترجمان بتوفیق خدای رحمن ادا کردم و ظائف آئینه را بزمره دیگر برادران مسلم خود دانسته مساعدت خداوند را برای شان مستدعیم .

اکنون یکی از مضامین تطبیقی و حیاتی محرر کتاب (ترجمان القرآن) را بطور نمونه آتیا درج میکنیم تا درجه دعوی محبتانه آن فاضل محترم در انظار قارئین گرام معین شود .

لقد خلقنا الانسان في كبد

هر آئینه آفریدیم انسان را بطوریکه زندگانی آن مملو از مشقات است .
 بتائید آیه کریمه فوق ' طرز معیشت انسان بچنان صورتی در میان
 افتاده که نظریه وجودیت خواهشات و لوله ها و انفعالات مودعه سرشت انسانی ،
 بهر گوشه و کنار حیات یک نوع دلچسپی و دل بستگی ، مشغولیت و مشغولیت در آن
 مضمحل دیده میشود و بهمین سرگرمی ها و آنها کات زندگانی است که نه تنها برای
 ذبحیات باعث اکتساب زحمات و احتمال مشقات میگردند بلکه در موجودیت این
 تکالیف ' بهره و حظ برایش بیش آمده بیشتر سبب فرحت و انبساطش میشوند - هر قدر
 که زحمت و تکلیف حیات بیشتر شده برود بهمان اندازه محبوبیت و مرغوبیت نسبت بآن
 اضافه تر میگرددند - بالعکس اگر اینها از زندگی برطرف و یا کمتر کرده شوند بهمان
 نسبت انسان خود را از لذات حیات محروم و مهجور دانسته نتیجه بان میرسد که حیات
 را بارگردن تصور کرده طالب مرگ میشود ' در اینجا بکار سازشی قدرت ملاحظه
 نمائید که با وجود متفاوت بودن ' تنوع طبایع ' اختلاف مشاغل ' متضاد بودن مقاصد
 همه اشخاص در کسب حیات چه در شوق و ذوق داشته و چه مبتلای بسازحمت مختلفه بیک
 سوبه میباشند . بلکه در تحصیل همان تکالیف خیلی راغب بوده برای مشاغل خویش
 در یک اندازه جوش و رغبت دارند یعنی مردوزن ، طفل و جوان ، امیر و فقیر ، عالم
 و جاهل ، قوی و ضعیف ، نندرت و بیمار ، مجرد و متأهل ، حامله و مرزعه تماماً
 در حالات و وضعیات خود منتهک بوده هیچکس نخواهد بود که در کنجکاوی مسائل
 حیاتی سرگرم نباشد چنانچه غنی در عمارت عالی بعیش و نشاط و فقیر در کلبه و برانه
 در حالی سرسامانی بفاقه کشی خویش حیات بسر میبرد ولی اگر خوب از احساسات
 شان خود را واقف سازیم میبینیم که دل بستگی هر دو در مشاغل حیات بیک سوبه
 بوده تفوقی در بین دیده نمیشود زیرا مثلیکه بکنفر تاجر حساب لکهار و دیده عادات

خود را با نهالك زياد ميشمارد بهمان اندازه يك شخص اجور كار مزد دوي روزانه خود را كه چند يسه ميشود حساب مينمايد - نظر با اين احساسات مشغوفانه هر دو گفته ميتوانيم كه دل بستگي هر دو حيات يكسان مي باشد .

هكذا بكنفر حكيم در مسائل مهمه و بيچيده عرفاني و حكمي خود آنقدر محو و مبهوت ميگردد كه يك دهقان و زارع در چير كردن زمين و زرع آن در حرارت آفتاب تابستاني بحال تشنگي و گرسنگي بسر و پاي برهنه مشغوف و دل بستگي داشته بهمچو از لذائذ حيات متلذذ ميشود - در بين اينها اگر خوب غور و خوض نمائيم مي بينيم كه نسبت بداشتن حسيات محبت و رغبت هيچ فرقي نبوده بيك سويه رفتار دارند - همچنان اگر بتولد يك طفل ملاحظه كنيم مي بينيم كه كدام زحمت طاقت فرساي مطولي نيست كه ما در متحمل آن نميشود - با وجود آن خداي متعال در حسيات و جذبات مادر طفل آنچنان صفاتي را بود يعن گذاشته كه محض بذوق مادر شدن ، تحمل زحمت ۹ ماهه حمل و وضع آن را قبول كننايد . پس ازان به پرورش و تربيه طفل اقدام کرده راحتهاي متنوعه شبانروزي خوبش را وقف اولاد خود مينمايد و باز هر يك از قطرات خون خود را در زير رگها بشير ميبدل ساخته بطفل خود مينوشاند چرا كه در همين زحمت و تلفات اطفال اخواتين راحتهاي حياتي مضر بوده سبب زيب و زينت حياتش گرديده با حسيات مسرت مملو ميشود - بمقابل اختلاف نوعيت حيات ، دست قدرت آنچنان هم رنگي و بكرنگي را در بين نوع بشر عامل گردانيد كه با وجود انتشار افراد و اختلاف حيات شان ، تا اشتراك عمل و ارتباط اجتماعي باهم نداشته باشند حيات و زندگي شان ممكن نيست .

اگر تشكيل و تدوين حيات از همچو اثرات عاري ميبود آنكاه وضعيتش دگرگون بوده فرقان حميد از منلك بودن اثرات فوق تاثير مینمود حالا نكه صاف متذكر است كه حيات بدون روابط و مائر فوق غير ممكن است چرا كه در سرشت خلقت كائنات ماده (رحمت) حكمفرماست و تقاضاي رحمت اينست كه مصائب و زحمت حيات را

خوشگوار و مرغوب ساخته ذرائع راحت و تسکین را برای حیات تهیه نماید -
 نظر باین نظریه 'رحمت وضعیتی را در میان آورد که در بین غم و الم، راحت و
 طمانیت، و در تلخیها و زحمات، لذت و مرغوبیت و در سختیها و مشقات، دلیذبری و
 دل بستگی را مضمّن نمود چنانچه قرآن کریم نسبت با طرف مختلفه
 (تسکین حیات) از مختلف بودن موجودات و خلقت تذکار مینماید
 از همین جهت است که طبیعت حیوانی بتواتر یکنوع جنس و حادثه، متنفر و به متبدل
 بودن آنها راغب و دلشاد میگردد پس اگر در عالم همه چیز بصورت بکرنگی و همرنگی
 میبود از کجا همچو دلچسپی و خورسندی و رغبت و دل بستگی واقع میشد؟ بهمین واسطه
 است که علاوه بر وجود کوائف لایحسی که در اختلاف اوقات، اختلاف مواسم، تضاد خشکی
 و تری، اختلاف مناظر طبیعی و خلقت اشیا دیده میشود یک مصلحت بزرگ نسبت
 بزیب و زینت دنیا و راحت و طمانیت حیات نیز در آن مضمّن میباشد.

مؤلف فاضل این کتاب آبت کریمه فوق را هم از روی منطوق و هم از روی مدلول
 (اشارت، دلالت و اقتضا) کوشش کرده که تفسیر نماید تا همه طبقات از آن استفاده بکنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ضرب المثل :- هر که با امید شام همسایه نشیند گرسنه میماند

* *

*